

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم: از شدت فشار ذهنی نسبت به نکته ای که مرقوم میدارم قصد عزیمت به اصفهان کردم تا خدمتتان برسم و جوابم را بیابم، لکن بخاطر محدودیت های موجود تمام تلاش خود را می‌نمایم تا بخوبی نوشته ای خدمتتان عرضه کنم تا جواب مناسبی برایم مرقوم دارید؛ استاد! مقدمات مختلفی در ذهن دارم اما لبّ کلام را مقدم می‌کنم؛ و آن اینکه: ۱. معیار در انتخاب ها چه حقیقت دسترس و ملموسی باید باشد تا تمامی انتخاب ها در تمامی زمینه ها در راستای حق و حقیقتمان باشد؟ توضیح آنکه: الف. هر انسانی در فرهنگ خانوادگی خاصی پروریده می‌شود و در مبانی و علایق تصورات خاصی می‌یابد که حقیقتاً راستی آزمایی و درستی و غلطی آنها بسادگی نیست (که البته مراد بنده شامل علایق حرام و... نیست). ب. از طرف دیگر هر انسانی با توجه به شخصیت و میزان غلبه ای که از عقل و وهم دارد، اموراتی را خوش می‌دارد_از سبک زندگی، نوع خوراک، نوع پوشاک، نوع تفکرات، نوع شغل، نوع عبادات مستحب و... که شخص دیگری مطابق با او نیست و حتی شاید متضاد وی باشد_ البته در محدوده شرعیات_. ج. از طرف سوم نیز شخصی همچون بنده که درس طلبگی می‌خوانم، با توجه به قرائات مختلفی که نسبت به دین می‌یابم که هر استادی بنحو استادی خود بگونه ای دین را می‌نمایاند که غیر از تعریف دیگر نیست (البته نه بنحو متضاد؛ منظور اینکه شما نحو ورود و خروجتان با دیگر اساتید متفاوت است)، نمی‌توانم این جواب را برای خود بیابم که: هرچه دین گفته را در خود پرورش ده و عمل کن... با این سه مقدمه، در این میدان بسیار بسیار وسیع بر چه منطقی باید مبنای انتخاب گری را در نظر داشت که حقیقتاً آدمی در بهترین حالت خود مستقر گردد؟ و این درحالیست که شدت مشغولیت تحصیلی، امکان رسیدگی به دیگر مطالب را گرفته و بنده نیز در برزخی نه درس خوب می‌خوانم و نه راضی به کم کردن درس های رسمی می‌شوم... (در این زمینه گمان بنده اینست که بیشتر از ده نکته در معرفت نفس باید در باب معرفت نفس مساله یابی و تفکر داشته باشم، پیشنهادتان از کتب علماء چیست؟)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم: ۱. در ابتدای امر باید به مبانی معرفتی نظر داشت به همان معنایی که امامان معصوم در آموزه‌های دینی خود می‌فرمایند: «عَلَيْنَا إِلْقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْنَا التَّفَرُّعُ» پس در دل مبانی معرفتی، تفاوت‌ها به معنای «تفریع» هرکدام جای خود را دارد و خود ما باید بنگریم با کدام نگاه و چشم‌انداز می‌توانیم در دل آن مبانی، خود را ادامه دهیم و آرام‌آرام به سبکی برسیم که با روح و

روحیه خودمان هماهنگی دارد بدون آن که سبک بقیه اهل اندیشه و نگاههایی را که به آن مبانی نظر دارند نفی کنیم. در این رابطه فعلاً باید راهی که در مقابلتان به عنوان یک طلبه گشوده شده در دل سنت هزارساله حوزه، ادامه دهید. ۲. آری! نباید در محدوده «معرفت نفس» متوقف شد. این ابتدای راه است ولی فعلاً امثال جنابعالی باید در دروس رسمی حوزه متوقف شوید و در کنار آن از قرآن غفلت نشود. بقیه امور برای بعد. موفق باشید